ای ياران رحمانی من در حالتيکه دريای امتحان پرموج گشته…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ٢٠٠

ای ياران رحمانی من در حالتيکه دريای امتحان پرموج گشته و موج بلايا باوج رسيده جنود امم در نهايت هجوم و اهل اعتساف بی‌نهايت بی‌انصاف جمعی از مفتريان با اخوی نامهربان التيام يافتند و کتابی از مفتريات نگاشتند و بسعايت و وشايت پرداختند.

فکر حکومت را مشوّش کردند و اوليای امور را مضطرب نمودند ديگر معلومست حالت مسجون در اين قلعه خراب چگونه و امور بچه درجه مشوّش و پراضطرابست از وصف خارجست با وجود اين باز آواره مسجون در نهايت استقرار و سکون و متوکّل بر حضرت بيچون و آرزوی هر بلا و ابتلائی در سبيل محبّت اللّه مينمايد تير جفا درّ عطاست و زهر قاتل شفای عاجلست.

ما در اين حالت که مکتوبی از ياران امريک رسيد و مضمون آن کلّ متعاهد بر اتّحاد و اتّفاق در جميع شئون گشته و کلّ امضا نموده‌اند که در سبيل محبّة اللّه جانفشانی نمايند تا حيات جاودانی يابند بمجرّد مطالعه آن نامه و ملاحظه اسماء که در ذيل امضا نموده بودند چنان فرح و سروری از برای عبدالبهآء حاصل گشت که از وصف خارجست و شکر نمود خدا را که يارانی در آنسامان پيدا شده‌اند که در نهايت روح و ريحان با يکديگر متّحد و متّفق و هم‌پيمانند.

و اين ميثاق هر قدرمحکمتر گردد خوشتر و بهتر و شيرين‌تر شود و جاذب تأييدات الهيّه گردد اگر ياران الهی آرزوی توفيق کنند تا رفيق ملأ اعلی يابند بايد در توکيد و تحکيم اين ميثاق بکوشند زيرا عهد و ميثاق اخوّت و اتّحاد مانند آبياری شجرهء حياتست يعنی حيات ابدی٠

باری ای ياران الهی قدم ثابت نمائيد و عهد محکم کنيد و متّحد و متّفق در انتشار رائحه محبّت اللّه بکوشيد و ترويج تعاليم الهيّه نمائيد تا جسم مردهء اين جهانرا جان بخشيد و هر بيمار دو جهانرا شفای حقيقی مبذول داريد.

ای ياران الهی عالم مانند شخص انسانست مريض و ضعيف و ناتوان گشته ديده نابينا شده و گوش ناشنوا گشته قوای حسّی بتمامه بتحليل رفته ياران الهی بايد طبيب حاذق گردند و بموجب تعاليم الهيّه اين بيمار را پرستار شوند و علاج کنند شايد انشاء اللّه صحّت حاصل گردد و شفای ابدی يابد و قوائی که بتحليل رفته تجديد شود و شخص عالم صحّت و طراوت و لطافت چنان يابد که در نهايت صباحت و ملاحت جلوه نمايد.

اوّل علاج هدايت خلقست تا توجّه بحق يابند و استماع نصائح الهی کنند و بگوشی شنوا و بچشمی بينا مبعوث شوند چون اين داروی سريع التّأثير استعمال شد پس بايد بموجب تعاليم الهيّه بر روش و اخلاق و اعمال ملأ اعلی دلالت نمود و بمواهب ملکوت ابهی تشويق و تحريص کرد قلوبرا بکلّی از شائبه بغض و کره پاک و منزّه نمود و براستی و آشتی و درستی و محبّت بعالم انسانی پرداخت تا شرق و غرب مانند دو عاشق دست در آغوش نمايند و عداوت و بغضا از عالم انسانی بر خيزد و صلح عمومی تقرّر يابد.

ای ياران الهی بجميع امم و ملل مهربان باشيد کلّ را دوست داريد و بقدر قوّه در تطبيب قلوب بکوشيد و در تسرير نفوس سعی بليغ مبذول داريد هر چمنی را رشحات سحاب شويد و هر شجريرا آب حيات گرديد هر مشامی را مشک معطّر شويد و هر بيماريرا نسيم جانپرور گرديد هر تشنه ئی را آب گوارا باشيد و هر گمرهی را رهبر دانا شويد هر يتيمی را پدر و مادر مهربان گرديد و هر پيريرا پسر و دختری در نهايت روح و ريحان گرديد و هر فقيريرا گنج شايگان شويد محبّت و الفت را جنّت نعيم دانيد و کدورت و عداوت را عذاب جحيم شمريد.

بجان بکوشيد و بتن مياسائيد و بدل تضرّع و زاری کنيد و عون و عنايت الهی جوئيد تا اين جهان را جنّت ابهی کنيد و اين کره ارض را ميدان ملکوت اعلی اگر همّتی بنمائيد يقين است که اين انوار بتابد و اين ابر رحمت ببارد و اين نسيم جانپرور بوزد و رائحه اين مشک اذفر منتشر گردد.

ای ياران الهی شما تقيّد بحوادث بقعه مبارکه نداشته باشيد و ابداً تفکّر مکنيد آنچه واقع شود خيراست زيرا بلا عين عطاست و زحمت حقيقت رحمت و پريشانی جمعيّت خاطر است و جانفشانی موهبت باهر آنچه واقع شود فضل حضرت يزدانيست .

شما بکار خود مشغول شويد و بهدايت خلق پردازيد و نفوس را بخلق و خوی عبدالبهآء تربيت نمائيد و بشارت ملکوت ابهی بخلق برسانيد شب و روز آرام نگيريد و دقيقه ئی نيارميد بکمال همّت اين بشارت را بگوش عالميان برسانيد و در محبّت الهی و تعلّق بعبدالبهآء هر بلا و مصيبتی را قبول نمائيد تحمّل شماتت اعدا کنيد و صبر بر ملامت اهل جفا پيروی عبدالبهآء نمائيد و در هر دمی آرزوی جانفشانی در سبيل جمال ابهی کنيد چون شمس بدرخشيد و چون دريا بجوش و خروش آئيد و مانند سحاب حيات بکوه و صحرا بخشيد و بمثابه نسيم بهاری اشجار هياکل انسانيرا شکفتکی و تازگی و طراوت و لطافت بخشيد \*